



جمال شورهچ (فیلمساز)ایوبالقاسم طلمبی (فیلمساز)محمد کاسبی (بازیگر)رسول ملاقلی پور (فیلمساز)



«احضار ۳» و ترساندن به هر جان کنندی!

## بترسان و پول بگیر!

فاطمه قاسم آبادی

یکی از پولسازترین ژانرهای سینما در دنیا، ژانر وحشت است و در سینمای غرب این ژانر همیشه جایگاه خاص و مخاطبین خودش را داشته است.

در بیشتر ساخته‌های هالیوودی در ژانر وحشت، نگاه اومانیتیستی غالب است و معمولاً شیاطین قدرتمند، بی دلیل وارد زندگی انسان‌ها شده و باعث وحشت و اضطراب‌ناشان می‌شوند و با توجه به اینکه در این ساخته‌ها طبق فیلمنامه، خدایی هم وجود ندارد، هیچ فریادرسی برای این انسان‌های مغلول و درمانده نیست جز جن‌گیرها و جادوگران و شیاطین دیگری که قرار است به نفع انسان‌ها، همنوعان خود را شکست بدهند.

بیش از یک دهه بود که سینمایی وحشت در هالیوود، از دوران قدرت و جذب مخاطب خود فاصله گرفته بود و خشونت و خونریزی بیشتر در این ژانر وجود داشت تا ترس‌های عمیق و پیچیده که در فیلم‌نامه‌های قوی بکار گرفته می‌شدند، اما با استارت مجدد فیلم‌هایی مانند احضار ۱ و ۲، «هرو بیرون»، «یک مکان آرام» و دوباره ژانر وحشت مورد توجه منتقدین و مخاطبین قرار گرفت و سوده‌های کلانی را به جیب تهیه کنندگان این ژانر، روانه کرد.

فیلم «احضار: شیطان مرا وادار کرد»، در دنباله سری موفق و پر سود مجموعه احضار، این بار به کارگردانی «مایکل چاوز» و محصول سال ۲۰۲۱ کشورهای آمریکا و انگلیس است.



فیلم جدید مجموعه احضار هم مانند فیلم‌های گذشته این مجموعه، درباره تحقیقات زوج جن‌گیر «لورن و ارن» است. این فیلم که با تغییرات فسرآوان و با الهام از ماجرای که در واقعت اتفاق افتاده، ساخته شده است، این بار به جای رفتن به خانه جن زده و نفرین شده، به سمت محاکمه «آرن نشین جانسون» محکوم به قتل رفتن و این داستان را به تصویر کشیده است. ماجرا از این قرار بوده که در واقعت آرن جانسون، برای انجام قتل نفس درجه یک دادگاهی شد، او صاحب خانه خودش «آرن پونو» را در حالت مستی می‌کشد ولی قبل از انجام این قتل، خانواده «دیوید گلتزل» که ۱۱ سال سن داشت و به ادعای خانواده‌اش، توسط یک شیطان تسخیر شده بود، از وارن‌ها خواسته بودند تا به آنها کمک کنند.

داستان فیلم «احضار ۳» که در مورد همین ماجراست.

##### با استناد به پرونده‌های جن‌گیر!

در داستان احضار، مخاطب طبق ادعای سازندگان، با ماجرای واقعی مواجه است که برای زن و شوهری به نام‌های «اد و لورین وارن» در دهه ۷۰ میلادی رخ داده است. البته این دو شخصیت در دنیای واقعی وجود دارند و به عنوان محققین مسائل ماورالطبیعه شناخته می‌شوند ولی در جوب به مخاطبین در مورد واقعی بودن یا نبودن داستان‌هایشان، به جای ارائه مدارک مستند، تنها به این جمله بسنده کرده‌اند: «هر که می‌خواهد باور کند و هر که می‌خواهد، باور نکند!» این زوج که در دهه هفتاد میلادی بسیار خیرساز بوده‌اند، ماجراهای شان را به صورت کتاب منتشر کرده‌اند و در آن روزها داستان‌های‌شان، خوراک روزنامه‌ها و مجلات زرد زمان شان بود.

در مورد پرونده قتل جانسون، تاثیر تبلیغات این زوج و سر و صداهایی که به پا کردند، که قسمتی از آن برای مشروعبت بیشتر بخشیدن به کار خود شان بوده، باعث شد تا دادگاه با توجه به این تبلیغات، رای جانسون را بسیار سبک‌تر از قتل درجه یک، در نظر بگیرد و جانسون به خاطر این حواشی در نهایت برای قتل، تنها به ۵ سال حبس محکوم شد!

فیلم «احضار ۳» در ادامه مجموعه فیلم‌های انابل، احضار ۱ و ۲، راهبه و مسلما پروژه‌هایی در آینده، ساخته شده است. در این فیلم‌ها بدون هیچ سند محکمی و تنها با استناد به حرف‌های این زوج و تخیلات نویسنده‌های فیلمنامه‌ها، مطالبی عجیب و باورنکردنی به خورد مخاطبین داده می‌شود و بینندگان هم بهتر است این داستان‌ها را باور کنند تا بیشتر بترسند!

در فیلم احضار نگاه به مسائل فراطبیعی، طبق گفته شخصیت اد وارن، در انتهای فیلم

احضار ۱ کلاما شیطانی و غیر الهی توصیف می‌شود. او در این باره می‌گوید:

«نیروهای خبیث، قدرتمند هستند و تا ابد وجود دارند.»
جمالت دقیقاً خلاف عقاید اسلامی است که بر اساس آن شیاطین، از خود قدرتی ندارند و حتی به شیطان هم تا زمان مقرر نه تا قیامت، مهلت داده شده است (قرآن، سوره حجر آیات ۳۶ تا ۳۸). همچنین در تفکرات اسلامی، آنچه هرگز به سراغ مردم یا ایمان که سعی در فرار از ارتباط با دنیای آنها را ندارد، نمی‌روند و این اتفاق همیشه برای کسانی می‌افتد که اقدام به ارتباط با اجنه خبیث، از راه‌های نامشروع می‌کنند ولی در سری فیلم‌های احضار … سازندگان سعی دارند به مخاطبین القا کنند که خطر همیشه در کمین انسان است و بدون هیچ دلیلی انسان‌ها می‌توانند مورد حمله اجنه قرار بگیرند و مدرکش هم این زن و شوهر هستند!

در احضار ۳ هم آرن جانسون ادعا می‌کند که شیطان را در بدن خود دعوت کرده است ولی در عمل هیچ ارتباطی بین این جوان و اجنه طبق اتفاقات واقعی (گرفتن چیزی در ازای خدمت) وجود ندارد و در حقیقت شیطان طی یک شوخی بی‌معنی، یک مرتبه از جسمی در می‌آید و می‌پرد درون جسم آرن و این جوان را تسخیر می‌کند!

منطق اتفاقات در احضار ۳ به قدری بی‌معنی استند که جایی برای دفاع منتقدین باقی نمی‌گذارد و کلاما مشخص است که به جای کار روی داستان‌پردازی و فیلمنامه، بیشتر به جنبه‌های مالی و سودآوری در این قسمت توجه شده است.

##### راهی برای فرار از قانون

پرونده آرن جانسون و ادعای این جوان در مورد موجودات شیطانی که به او گفتند آدم بکشد، در کشوری مثل آمریکا بد طولایی دارد. پیش از این هم در پرونده «رونالد فلتنو جونپور» که شش نفر از اعضای خانواده‌اش را کشت و بعد از گفرت اقتادن توسط پلیس، مدعی شد که در خانه شان موجود شیطانی وجود دارد که به او گفت خانواده‌اش را قتل و کربلایش می‌کند، این اتفاق افتاده بود. «دیوید ریچارد بروکیتز» معروف به «پسر سام» قاتل زنجیره‌ای دهه ۷۰ و چارلز منسن جنایت کار معروف … هم این ادعای مشابه را داشتند که البته در آن پرونده‌ها این ادعا برخلاف پرونده آرن جانسون، به خاطر تعداد قربانی‌ها نتوانست به کمک شان بیاید که با حکم سبک به آزادی برسد.

طبق تاریخ جنایتکاران آمریکا، مسئله وصل شدن به مسائل ماورالطبیعه برای توجیه جنایت، بسیار زیاد اتفاق افتاده، منتها در پرونده آرن جانسون، اد و لورن وارن به کمک قاتل ماجرا می‌آیند و از این طریق برایش غفو می‌گیرند.

##### ضعیف اما پر سود

دو فیلم اول احضار، به کارگردانی «جیمزوارن» بود که با توجه به پردازش داستانی قوی و کارگردانی هوشمندانه، توانست ترس پیچیده‌تری را به مخاطبینش القا کند ولی در احضار ۳ با توجه به زیاد بودن المان‌های کلاسیک هالیوودی برای ترساندن، کلاما مشخص بود که قرار است به جای فیلمنامه قوی، مخاطبین با اتفاقات کلیشه‌ای این گونه فیلم‌ها و… بترسند.

البته احضار ۳ هر چند نتوانست نه در کسب رضایت منتقدین و نه در فروش فوق‌العاده، به پای دو فیلم قبلی و این سری برسد اما در مجموع توانست با بودجه ۳۹ میلیون داری، حدود ۱۸۳ میلیون در گیشه بفروشد و تهیه‌کنندگانش را راضی کند.

آنچه در پی می‌آید، بخشی از سخنرانی «سیدحسسن نصرالله» دبیرکل حزب‌الله لبنان در آئین افتتاحیه کنفرانس «نوسازی گفتمان رسانه‌ای و مدیریت نبرد» است. این متن می‌تواند یک الگو در جهت بازسازی و احیاء هویت «رسانه مقاومت» در قالب‌های مختلف باشد. این متن به‌طور کامل تر در پایگاه khamenei.ir منتشر شده است.

\*\*\*

گفتمان رسانه‌ای که ما می‌خواهیم آن را احیا کنیم و ارتقا دهیم، در رویارویی با چه کسی است؟ ما اینجا از مشکلات داخلی دارای ماهیت داخلی، محلی و ملی صحبت نمی‌کنیم، ما از رویارویی با اشغالگران اسرائیلی، سلطه آمریکا، طرح صهیونیستی و طرح آمریکایی در منطقه، اشغالگری اسرائیل در سراسر فلسطین به‌غیر از غزه، اشغالگری در جولان اشغالی سوریه، مزارع شبعا، کفرشوبا و بخشی از منطقه لبنانی غیر سخن می‌گوییم. درست نیست که در این رویارویی قائل شویم، سلطه آمریکا پایه و اساس و خطرناک‌ترین است، زیرا این سلطه اولاً، به خودی خود مشکلی برای کشورها و ملت‌های ماست از این جهت که سلطه‌گری مبتنی بر سلب تصمیمات، غارت ثروت‌ها، تحمیل نظام‌ها و منع کردن ملت‌های ما از تعیین سرنوشت خود در همه عرصه‌هاست و ثانیاً، همین آمریکا نیز حامی اسرائیل است. نمی‌توان فلسطین را بدون رویارویی با سلطه‌گری آمریکا در منطقه آزاد کرد، زیرا همین سلطه‌گری نظام‌ها و ارتش‌ها را به ساختارهای مرده‌ای تبدیل کرده است که تحرک و اراده‌ای ندارند و کاری از دستشان برنمی‌آید.

**جدانداستن رژیم صهیونیستی و آمریکا**
برادران و خواهران! بدانید که تنها پس از یازده، دوازده روز از نبرد شمشیر قدس، صفاها در رژیم صهیونیستی بلند شد<sup>م</sup> و آنها از آمریکا خواستند که در زمینه کنبد آهنین و موشک‌ها برای مقابله با موشک‌های مقاومت کمک کنند. این رژیم اصلاً وجودش، بقایش، ادامه موجودیتش، قدرلری‌اش، تکبیرش، سرکشی و برتری‌اش درون سلطه، حمایت و کمک‌های آمریکاست. بنابراین، در گفتمان و بازیگری خود نمی‌توانیم بین این دو جدایی قائل شویم. هر قتل‌عامی که ارتش صهیونیستی مرتکب می‌شود، قتل‌عامی است که آمریکا مرتکب می‌شود. هر تجاوز اسرائیل به‌منتهای تجاوز آمریکاست. بنابراین، ما اینجا درباره رویارویی با اشغالگران اسرائیلی، طرح صهیونیستی، طمع‌ورزی، تهدیدات و چالش‌هایش برای همه ملت‌ها و کشورهای منطقه صحبت می‌کنیم.

ما همچنین با سلطه آمریکا روبه‌رو هستیم که احیاناً به اشغالگری مستقیم تبدیل می‌شود، همچنان که در افغانستان به‌مدت حدود ۲۰ سال رخ داد و امروز با عقب‌نشینی خنجرپای و همراه با شکست پایان یافت و نتوانست چیزی محقق کند. در عراق نیز آمریکا ادعا می‌کند که در درخواست دولت عراق آمده است، اما کارهایش مثل نیروهای اشغالگران است، زیرا بر آسمان سلطه دارد و به ملت عراق تجاوز می‌کند از جمله تجاوز اخیرش به نیروهای بسیج مردمی در مرزهای سوریه با عراق آنکه منجر به شهادت چند تن از نیروها شد. این اقدامات نیروهای اشغالگر است و اقدامات نیروهای دوست و یاری کننده نیست. همچنین اشغالگری مستقیم آمریکا در شرق فرات در سوریه، بنابراین، ما در برابر سلطه‌گری قرار داریم که گاهی به اشغالگری تبدیل می‌شود و این



جواد ارتقانی (فیلمساز)شهید اوینی (فیلمساز)مجید مجیدی (فیلمساز)هادی محمدیان (یوتی‌ان)فرخ‌الله سلحشور (فیلمساز)ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلمساز)مهدی فقیه (بازیگر)پروانه معصومی (بازیگر)حسین باری (بازیگر)ناود میربالقی (فیلمساز)برویژ شینخ طادی (فیلمساز)شهرویار بحرانی (فیلمساز)

بخشی از سخنرانی سیدحسن نصرالله در کنفرانس «نوسازی گفتمان رسانه‌ای و مدیریت نبرد»

# قدرت، صداقت، شجاعت

# در رسانه مقاومت

علاوه بر مناطق دیگر است همچنان که از حضور نیروهای آمریکایی در جنوب یمن سخن گفته می‌شود.

##### تکیه بر عناصر اصلی قدرت رسانه‌ای

همچنین گفتمان رسانه‌ای در محور مقاومت همواره بر عناصر اساسی قدرت مبتنی است. زمانی که می‌خواهیم این گفتمان را ارتقا دهیم یا احیا کنیم باید آن را با استناد به عناصر اصلی قدرت ارتقا دهیم و احیا کنیم که بیشتر رسانه‌های دیگری با رسانه‌های دشمن فاقد این عناصر هستند. اول استاد به حق، رسانه‌های محور مقاومت و گفتمان رسانه‌ای اینجا بیانگر حق است.

موضوع دیگر، مشارکت رسانه‌ها در ساختن پیروزی و استناد به واقعیت‌ها و حقایق عینی است. این از نقاط قدرت گفتمان رسانه‌ای و حقایق عینی است. این از نقاط قدرت گفتمان رسانه‌ای و رسانه‌های محور مقاومت است، استناد به واقعیت‌ها و حقایق عینی میدانی، سیاسی، فرهنگی، عاطفی و وجدانی نزد امت، حقایق و واقعیت‌ها نزد دشمن و حقایق و واقعیت‌ها نزد امت و ملت‌هایش و نزد رزمندگان و حامیان مقاومت.

از مهم‌ترین عناصر قدرت در گفتمان مقاومت و رسانه‌های محور مقاومت، صداقت و راستی است که اعتبار آورده است. اعتبار را با پول نمی‌توان ساخت و با زیادی رسانه‌ها و زیادکردن مپهرات‌های رسانه‌ها پدست نمی‌آید. اعتبار واقعی را راستی به‌دست می‌آورد، راستی و صداقت در زمینه‌های مختلفه اولاً در صداقت و راستی در نقل خیر آنچه مقاومت به مردم می‌گوید و آنچه رسانه‌های مقاومت و گفتمان مقاومت به مردم می‌گویند، صداقت و راستی در نقل حقایق است و این باید ادامه یابد. امروز شهرکشینان این دشمن به رسانه‌های مقاومت بیشتر از سران و رسانه‌هایشان اعتماد دارند، چرا ما در این نتیجه رسیده‌ایم؟ این نتیجه صداقت، راستی و تجربه طولانی است. ثانیاً، صداقت و راستی در وعده است. مقاومت در طول ده‌ها سال وعده‌ای نداده است که دور از واقعیت یا دور از امکان تحقق بوده باشد.

##### اهمیت تنوع طرفداران مقاومت

از طرف دیگر طرفدارانی که رسانه‌ها و گفتمان مقاومت به آن متکی است، از عامه مردمی است که در جهان عرب و جهان اسلام و نیز در جهان طیف بزرگی را تشکیل می‌دهد. از جمله ویژگی‌های این پایگاه مردمی آن است که از نظر دینی، فکری، فرهنگی، اعتقادی و ایدئولوژیک متنوع است. از نظر قومیتی و نژادی هم تنوع دارد.

همچنین مسئولیت رسانه آن است که بقیه را هم که هنوز بی طرف هستند خطاب قرار دهد تا این پایگاه مردمی گسترش یابد. همچنین باید مخاطب رسانه‌های آنها را که در جهه دشمن ایستاده‌اند و از دشمن حمایت می‌کنند یا روابطشان را با دشمن عادی‌سازی کرده‌اند یا

بازیگران در ذهن مخاطبان باقی بماند.

این سریال در دو فصل از شبکه یک سیما پخش شد. فصل اول با یک پرش خوب اوج گرفت و فصل دوم به پختگی و بلوغ رسید.

شخصیت اصلی فیلم «فریزر یاغی‌بیشه» که برعهده پژمان جمشیدی بود یک کارکتر جذاب را به نمایش گذاشت. البته از بازی خوب این

مخاطبان سیما جای دهد.

مجموعه طنز زیر خاکی داستانی جذاب داشت. خط داستانی این سریال با اتفاقاتی درهم تنیده مخاطب را با خود همراه می‌کرد.

شخصیت‌های برای مخاطب ملموس بود و همین موضوع باعث می‌شد تا مدتی گفتگو‌های

بازیگر در جذابیت سریال نباید به سادگی عبور کرد چرا که او توانست در همان قسمت‌های نخست مخاطبان را با لحن و کلام طنزگونه‌اش به وجد بیاورد.

موقعیت اجتماعی دهه ۶۰ ویژگی دیگر این سریال بود. هم دیالوگ‌های بازیگران و هم

شاید تا به امروز کمتر شاهد برنامه‌ای با حال و هوای «محاکات» در شبکه‌های تلویزیونی رسانه ملی بودیم و حداقل چنین سبک روایتی از زندگی مردم را در یک برنامه با حال و هوای یک مسابقه را تاکنون ندانسته ایم.
این نوع روایت، یک سبک نو و متفاوت از قصه‌های آدم‌هایی است که در گیزردار زندگی نقش‌دهنده قصه‌های هستند که بعدها می‌تواند به عنوان یک اثر داستانی تلقی شود.اگرچه در برنامه‌های گفت‌وگومحور دیگری که تا به حال از شبکه‌های تلویزیونی صداوسیما پخش شده و در مناسبت‌های مختلف در برنامه‌های مناسبتی در تلویزیون شاهد حضور آدم‌هایی بودیم که قصه زندگی خود را روایت کرده‌اند. اما برنامه «محاکات» قصه دارد با نگاهی نافذتر سرگذشت‌ها و روایت آدم‌ها را دنبال کند. یکی از ویژگی‌های این برنامه اینست و کاپو پیرامون اصل داستان و ارزش‌گذاری به خود قصه است و داورانی که به عنوان کارشناس و تولیدکننده آثار نمایشی و فیلم در قالب یک مسابقه در این برنامه حضور دارند به نوعی ضمن تحقیق و پرسش از میهمان برنامه و روای قصه، ظرفیت‌ها و بستری‌های لازم داستان زندگی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند که تا چه میزان ظرفیت‌های لازم را برای تبدیل شدن به یک اثر هنری و نمایشی و یا مکتوب دارد.
به همین دلیل هم سوره‌های متفاوتی مطرح می‌شوند.



tasvirroz@kayhan.ir

صفحه ۸

دوشنبه ۲۸ تیر ۱۴۰۰

۸ ذی‌الحجه ۱۴۴۲ - شماره ۲۲۸۰



خبری وایسته به رسانه‌های مقاومت را مسدود کرد. این رسانه‌ها تأثیری ندارند، چرا دشمن خود را به زحمت می‌اندازد و آنها را مسدود می‌کند؛ این نشانه تأثیرگذاری رسانه‌های مقاومت است و ثابت می‌کند این رسانه‌ها کارساز هستند و تأثیر مثبتی بر امت دارند و دشمن را در سطوح مختلف آزده کرده‌اند.

ما نیاز داریم این رسانه‌ها تقویت شوند و در بین خود رقابت مثبت داشته باشند. ما نیاز داریم این رسانه‌ها از تجربه‌های یکدیگر در زمینه رسانه‌ای استفاده کنند آن‌گونه که در زمینه نظامی چنین کرده‌ایم. امروز یکی از مهم‌ترین نقاط قوت در مقاومت مسلحانه این است که تبادل تجربه و تخصص‌ها صورت گرفته است و جنبه نظامی جدا از هم وجود ندارد، بلکه جنبه نظامی مرتبط، دارای همکاری و تکمیل‌کننده وجود دارد و آن‌شاه‌الله در مراحل آینده تکامل آنها بیشتر می‌شود. در عرصه رسانه‌ای نیز همین‌گونه است.

##### لزوم استفاده حداکثری از شبکه‌های اجتماعی

آنچه ما امروزه به آن نیاز داریم، استفاده حداکثری از شبکه‌های اجتماعی است. من اخیراً برخی آمارها را مطالعه می‌کردم که در آنها این سؤال مطرح شده بود: چرا ابراز همبستگی جهانی با نبرد سبیاقدنس بیشتر از نبرد دیگری بود؟ برخی تحقیقات این مسئله را به‌وجود شبکه‌های اجتماعی و اثرگذاری آن مرتبط دانسته‌اند، چراکه دشمنان ممکن است بتوانند یک شبکه ماهوارهای را مسدود و یک شبکه رادیویی را تحریم و ساکت کنند و جلوی انتشار یک روزنامه را بگیرند، ولی انتشار شبکه‌های اجتماعی در سطح جهانی به‌حدی رسیده است که می‌تواند تحولات را منتقل کند، در حالی که سابقه نداشته است نبرد یا تقابل و مظلومیت و کشتار در فلسطین اشغالی این‌گونه منتقل شود. این یک فرصت بسیار بزرگ است که در آن ره انسان و شخصی در این امت می‌تواند برای انتقال تصویر، حوادث و موضع‌گیری‌ها به جهان وارد عمل شود. امروز ما نه‌تنها در بحبوحه نبرد آشکارسازی حق، بیداری ملتها و برانگیختن امیدواری‌های صادقانه در میان آنان هستیم، بلکه در عرصه رسانه‌ای نیز با نبرد مقابله با گمراه‌کردن افکار عمومی، دروغ‌گویی، تحریف جعل، فریبکاری و تخریب قرار داریم و این یک نبرد سخت است و برای مقابله با آن نیازمند برنامه‌ریزی هستیم.

##### تلاش رسانه‌های مخالف

**برای مخدوش کردن چهره مردان مقاومت**
امروز در لبنان و جهان عربی و اسلامی، رسانه‌های مخالف محور مقاومت نمی‌توانند از دشمن دفاع کنند و از حقایقت دشمن سخن بگویند، زیرا باطل‌بودن دشمن اثبات شده است. اگرچه در طول سال گذشته برخی رسانه‌های

## بیداد «لمپنیسم» در سریال‌های شبکه نمایش خانگی!

##### آرش فهیم

مطلق تعریف جامعه‌شناسان و فلاسفه علوم اجتماعی، «لمپن‌ها» نقشی در تولید ندارند و دراصل ریزه خواران و سرمایه‌داران در سطح جامعه می‌ولند و فعالیت تخریبی انجام می‌دهند، کم‌رنگ شدن هویت و هنجارهای اخراقی و گسترش فاصله طبقاتی از عوامل ظهور و گسترش این طیف است. آنها در حوزه فرهنگ هم حضور پررنگ پیدا می‌کنند؛ به معنای واقعی کلمه «تولیدکننده فرهنگ» نیستند بلکه خورده فرهنگی در حاشیه فرهنگ عمومی یک کشور هستند و سبک و سیاق فکری و فرهنگی آنها را، ثروت، نفرت‌انگیز و بعضاً ترسناک است، اما به خاطر پشتیبانی مالی صاحبان پول و نام، می‌توانند ایده‌های سخیف خود را با ظواهری پرطمطراق و مروج‌کننده ارائه دهند!

بسیاری از سریال‌های شبکه نمایش خانگی در یک دهه گذشته، مصداق بارز چنین جریان‌ی محسوب می‌شوند،مجموعه‌هایی پر از پوچی و ابتذال که با برخورداری از سرمایه تجاری و بعضاً ناسالم- هدفی جز تأمین و تکریم خواسته‌های نیکوسه‌گان اقتضای در دنیال نبرد نمی‌کنند.

بعد از ورشکستگی سینما و حذف سینمارفتن از سبد مصرف فرهنگی مردم و غلبه استفاده از فضای مجازی نزد عموم مردم در ایران، بخشی از فعالان هنر هفتم که از بازگشت سرمایه در سینما ناامید شده بودند، شبکه نمایش خانگی را بهترین فضا برای کسب و کاسبی یافتند.

آنچه این فضا را به جولانگاه مولتی میلیاردرها و مفسدان اقتصادی و اختلاسگرها تبدیل نموده، ونگاری و سست بودن نظارت بوده است.البته این ونگاری و باوازه‌های زیبایی چون آزادی و فضای باز توجیه می‌شود. این فضا برای تخریب فرهنگ و ارزش‌های اخراقی و خانوادگی و هویت ایرانی و سبک زندگی اسلامی باز است؛ طبیعتاً در چنین موقعیتی خلاقیت هنری و زیبایی‌شناسی به معنای واقعی مجال خردمندانی نمی‌یابد، هدف اصلی، رسیدن به سود مالی است و اندیشه و هنر به انزوا می‌رود. در نتیجه، هنرمندانی هم که به این وادی قدم می‌گذارند، خواسته یا ناخواسته در زمینه «لمپنیسم» قلم می‌زنند و تصویر برمی‌دارند! آنها مجبور می‌شوند برای گرفتن دستمزد بیشتر و بالاتر، به هر ابزاری چنگ بزنند، هر رنگی به خود بگیرند، فرهنگ را آلوده کنند و ذائقه مردم را به فریبناکه بیرند تا فرمایشات کارفرمایان خود را اطاعت کنند! تکبیک و کارگردانی یک کارگردان در این زمینه آلوده خواهد بود؛ دوربین‌وزی هرزه می‌شود، حرکت بازیگران، نورپردازی و حتی گریم بازیگرها در جهت رنگ کردن مخاطب اتفاق می‌افتد و با هر بار بیان «کات» گویی رسته‌ای از حقوق و حقایق را بهره می‌کند. چون هر کاری در زمینه لمپنیسم، فقط به ویرانی می‌انجامد؛ سریال‌های شبکه نمایش خانگی نیز این روزها همراه و هم‌جهت با سریال‌های شبکه‌های ماهواری، فقط تخریب می‌کنند، بدون آنکه تولید کنند.



گریم و صحنه و … بیشترین سهم را در مقبولیت عمومی داشتند.

طنز موقعیت چیزی بود که هم نویسنده و هم کارگردان قالب مجموعه را بر آن سوار کرده بودند.

نمایش برخی از اتفاقات دوران انقلاب مثل

اول و حالا فصل دوم محاکات سعی دارند که تاثیرگذاری و کیفیت اصلی برنامه همچنان پابرجا بماند و به‌خاطر همین امر تلاش می‌کنند که قصه‌ها متفاوت بوده و از تازگی لازم برخوردار باشد و میهمانان و آدم‌هایی را به برنامه دعوت کنند که روایت زندگی‌هایشان علاوه‌بر اینکه عبرت‌آموز، آرام‌بخش و نتیجه دهننده برای بینندگان و مخاطبان برنامه باشد. در واقع «محاکات» می‌خواهد از دل امواج قصه‌های مردم، به روایت داستان‌هایی بپردازد که در آینده در قالب کتاب و یا آثار نمایشی ماندگار بماند.

برخلاف بسیاری دیگر از برنامه‌های گفت وگومحور با مخاطب انس گرفته و در حقیقت روای صادقی از قصه آدم‌هایی است که به نوعی راحت‌تر و بدون پرده‌پوشی می‌توانند حرف‌ها، درد دل‌ها و سرگذشت زندگی خودرا در این برنامه برای مردم روایت کنند. البته نوع پرسش داوران و نحوه پاسخ گرفتن از میهمان سوزه‌ها هم نسبت به دیگر برنامه‌ها متفاوت‌تر و خاص‌تر است چراکه داوران این برنامه سعی می‌کنند که با کنکاش پیرامون قصه زندگی میهمان حاضر در برنامه «محاکات»، شش‌پیرنی‌ها و تلخی‌های زندگی آدم‌ها را برای بیننده تلویزیون ملموس‌تر کنند و مخاطب به طور خاص خود را در ماجرای زندگی آن فرد ببیند و آن زندگی را احساس کند.

##### رسول شمالی ورزنده

روایت برخی از قصه‌های آدم‌ها در «محاکات» می‌تواند تبدیل به کتاب یا آثار نمایشی و حتی فیلم سینمایی شود و در واقع این برنامه به‌طور اختصاصی وارد ماجرای قصه‌ها می‌شود و با نظرسنجی و قضاوت تخصصی داوران حاضر در برنامه و اجرای مسابقه، روند ماجرای قصه مردم برای تبدیل شدن به محصول فرهنگی و هنری به نوعی ظرفیت سنجی می‌شود.

## «محاکات»؛

# قصه زندگی مردم

##### رسول شمالی ورزنده

به‌صورت خلأچنین برنامه‌ای در شبکه‌های تلویزیونی صداوسیما احساس می‌شد و این حرکت در رسانه ملی یک ابتکار در قالب برنامه‌های گفت‌وگومحور محسوب می‌شود که توانسته جایگاه خوبی را در بین برنامه‌ها به خود اختصاص دهد. جواد فرحانی و مریم نوابی‌نژاد که کار تهیه و تولید این برنامه را برعهده دارند در طی فصل